Quarterly Financial Accounting
E-ISSN: 2783-4417
Vol. 15, Issue 1, No. 57, Spring 2023, p 100-118
Received: 10.07.2023 Accepted: 21.10.2023

Research Paper

Auditor Resignation and Stock Price Crash Risk

Mehdi Amini
Department of Accounting, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.
mehdi.amini@uok.ac.ir

Peyman Amini *
Assistant Proffesor. , Department of Accounting, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.
P.Amini@uok.ac.ir

Abstract
Investing in the stock market comes with its own specific risks that need to be considered. One of the most significant risks in stock market investing is the stock price crash risk. There are several factors that can influence the occurrence of this risk, which have been addressed in the present study by examining the relationship between auditor resignation and the stock price crash risk. Independent auditors have access to more extensive information about the companies they examine. This very fact has led to any changes in independent auditors being deemed important and receiving attention. Therefore, it is expected that company shareholders, especially small shareholders who have limited information about the internal conditions of the company, would react to changes in independent auditors. Furthermore, it is predicted that the size of auditing firms would have a moderating effect on the shareholders' reaction to auditor resignation. In this regard, a sample of 129 companies listed on the Tehran Stock Exchange over a period of 10 years from 2012 to 2021 was selected and tested using the Eviews software and employing the combined data method. The results obtained from the hypotheses testing of the research indicated a significant relationship between auditor resignation and the stock price crash risk. Moreover, the size of auditing firms has a moderating effect on the relationship between auditor resignation and the stock price crash risk.

Keywords: Stock Price Crash Risk, Auditor Resignation, Stock Crash Period, Size of Auditing Firms.

Introduction: The relationship between auditor resignation and stock price crash risk is a topic of significant interest in both academic research and financial markets. When auditors choose to resign from their engagement with a company, it can raise concerns among investors and market participants. Auditor resignation is seen as a red flag and can be interpreted as an indication of potential financial irregularities or unfavorable conditions within the company. This perception can erode investor confidence, increase uncertainty, and raise the stock price crash risk.

Method and Data: The data for this research was collected from the Codal website and the Rahavard Novin software. The analysis of the collected data was conducted using Excel and Eviews software, employing the statistical method of panel data. The statistical population of this study consisted of companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2013 to 2022. The sample was selected using a systematic elimination sampling method based on predetermined criteria.

Findings: The results indicated a significant relationship between auditor resignation and stock price crash risk. Furthermore, the size of auditing firms can moderate this relationship.

Conclusion and discussion: In conclusion, considering the research findings, it can be stated that auditor resignation and stock price crash risk have an impact on each other. Furthermore, the size of auditing firms can moderate this influence.

* Corresponding author
Amini, M., Amini, P. (2023). Auditor Resignation and Stock Price Crash Risk. *Quarterly Financial Accounting*, 15(57): 100-118.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

فصلنامه حسابداری مالی
سال پانزدهم، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲، ص ۱۱۸-۱۰۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹

مقاله پژوهشی

کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام

مهدی امینی
دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری ، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
mehdi.amini@uok.ac.ir
پیمان امینی *
استادیار ، گروه حسابداری ، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
P.Amini@uok.ac.ir

چکیده:
سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه همراه با ریسک‌های مختص خود می‌باشد که باید آنها را در نظر گرفت. یکی از مهم‌ترین ریسک‌های سرمایه‌گذاری در بازار بورس، ریسک سقوط قیمت سهام است. عوامل متعددی بر رخداد این ریسک تأثیرگذار هستند که در پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام پرداخته شده است. حسابرسان مستقل نسبت به سهامداران خرد اطلاعات گسترده‌تری از وضعیت شرکت‌های مورد بررسی خود دارند. همین مسئله باعث شده تا هرگونه تغییرات در حسابرس مستقل بااهمیت قلمداد شده و مورد توجه قرار بگیرد. لذا انتظار می‌رود که سهامداران شرکت و به‌ویژه سهامداران خرد که اطلاعات کمی از شرایط داخلی شرکت دارند، نسبت به تغییرات حسابرس مستقل واکنش نشان دهند. به‌علاوه، پیش‌بینی می‌شود که اندازه مؤسسات حسابرسی به میزان واکنش سهامداران به کناره‌گیری، تأثیرگذار باشد. در همین راستا، نمونه‌ای شامل ۱۲۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۰ سال از ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ انتخاب و با استفاده از نرم‌افزار ایویوز با به‌کارگیری روش داده‌های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیات پژوهش حاکی از این بود که کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام ارتباط معناداری با یکدیگر دارند. همچنین اندازه مؤسسات حسابرسی رابطه بین کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام را تعدیل می کند.

واژه‌های کلیدی: ریسک سقوط قیمت سهام، کناره‌گیری حسابرس، دوره سقوط سهام، اندازه مؤسسات حسابرسی.

* نویسنده مسئول
امینی، مهدی، امینی، پیمان. (۱۴۰۲). کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۵(۵۷): ۱۱۸-۱۰۰.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

مقدمه

گزارش و انتقال اطلاعات مالی و اقتصادی درست به مراکز تصمیم‌گیری، در سیستم اقتصادی کنونی جهان دارای اهمیت بسیاری است. وجود سازمان‌های بزرگ تجاری یکی از ویژگی‌های این اقتصاد گسترده می‌باشد که با سرمایه‌های بالا فعالیت‌های اقتصادی را در یک منطقه یا در سراسر کشور و یا حتی در نقاط مختلف جهان اداره می‌کنند سهامدارانی که سرمایه خود را در اختیار این دسته از شرکت‌های سهامی قرار می‌دهند برای جویا شدن از نحوه اداره سرمایه‌های خود و اطمینان از صحت عمل و کارایی مدیران و گردانندگان امور شرکت‌های یاد شده، از منابع اطلاعاتی در دسترس از قبیل گزارشهای مالی سالیانه استفاده می نمایند. هرچند مسئول اصلی درست یا غلط بودن گزارش‌های مالی تهیه شده، مدیران واحدهای تجاری هستند، اما نمی‌توان انتظار داشت که مدیران در ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها به طور کامل بی‌طرف باشند (موسوی شیری، ۱۳۷۸).

مبانی نظری بازار سرمایه نشان می دهد که قیمت سهام یک شاخص پرکاربرد می‌باشد و به صورت مستقیم واکنش بازار به اطلاعات جدید در مورد آینده یک شرکت را نشان می‌دهد. برای توضیح سقوط قیمت، محققان حسابداری بیشتر بر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران تمرکز کرده‌اند (لی[1]،۲۰۲۰). زمانی که مشارکت کنندگان بازار سرمایه اطلاعات گزارشگری مالی را دریافت می کنند، به‌طور معمول از آن اطلاعات به همراه سایر اطلاعات موجود برای انجام یک قضاوت (همانند احتمال ریسک ورشکستگی، ریسک سقوط سهام یا شکاف بین نتیجه و یک پیش بینی)، یا یک تصمیم گیری (برای مثال در کجا و چه مبلغی سرمایه گذاری شود) استفاده می‌کنند؛ بنابراین مشخص است هدف اولیه اطلاعات گزارشگری مالی در بازارهای سرمایه این است که پشتوانه قضاوت ها و تصمیمات مشارکت کنندگان در بازار باشد و کیفیت بالای این اطلاعات به قضاوت ها و تصمیمات با کیفیت تری منجر شود(عزیزپور شیرسوار، محسن،۱۳۹۵).

دان و میو[2] (۲۰۰۴) معتقدند اگر حسابرسی با کیفیت انجام شود، سبب کاهش هزینهٔ نمایندگی و هم‌سویی منافع مدیران و سهامداران، کاهش تخلفات توسط مدیران، بهبود تصمیم‌گیری‌های عملیاتی و کاهش سلب مالکیت می‌شود که در این حالت خطر سقوط آتی قیمت سهام کاهش می یابد. اما اگر کیفیت حسابرسی کاهش یابد، سبب کاهش کیفیت گزارشگری مالی و همچنین افزایش هزینهٔ نمایندگی ناشی از تضاد منافع مدیر و سرمایه‌گذار می‌شود. به بیان دیگر، این امکان وجود دارد که مدیریت با استفاده از ضعف‌های کنترلی، سود را مدیریت کرده و از منافع سهامداران به نفع‌خود استفاده کند و ارزش شرکت را کاهش دهد. در نتیجه، سبب افزایش خطر سقوط قیمت سهام می‌شود.

تغییر حسابرسان، در بیشتر اوقات باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به قابل‌اتکا بودن صورت‌های مالی خواهد شد، به‌ویژه اگر این تغییر همراه با بار معنایی منفی، اخبار ناخوشایند و تردید درباره حسابرس جایگزین باشد. کاهش اعتماد استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی علاوه بر ناکامی در دستیابی به اهداف حسابرسی، موجب افت اعتبار فرایند حسابرسی در ابعاد کلان هم خواهد شد که این اتفاق هم در نهایت می‌تواند منجر به ریسک سقوط در قیمت سهام شرکت باشد (ناپ و الیکای[3]، ۱۹۸۶).

البته اندازه مؤسسات حسابرسی هم می‌تواند در وقوع این رویدادها مؤثر باشد، چراکه حسابرسان بزرگ احتمال بیشتری دارد در سال قبل از سقوط کناره‌گیری کنند، زیرا حسابرسان بزرگ نسبت به ریسک مرتبط با خدمات حسابرسی حساس‌تر هستند و اغلب در تعدیل مشتریان خود انعطاف بیشتری دارند (کاتاناخ، ایروینگ و ویلیامز[4]، ۲۰۱۱). همچنین، مؤسسات حسابرسی بزرگ کیفیت ارائه خدمات بالاتری نسبت به سایرین دارند، چراکه سعی می‌کنند شهرت خود در بازار را افزایش دهند (دی‌آنجلو[5]، ۱۹۸۱)

[1] Lee
[2] Dunn & Mayhew
[3] Knapp & Elikai
[4] Catanach, Irving & Williams
[5] DeAngelo

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

بنابراین، اهمیت بالای تغییر حسابرس مستقل برای سرمایه‌گذاران و همچنین احتمال رخداد ریسک سقوط قیمت سهام، پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی را در این زمینه به دنبال داشته است. اما تاکنون پژوهشی پیرامون کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام با درنظرگرفتن اندازه مؤسسه حسابرسی در ایران انجام نشده است و بررسی این موضوع می‌تواند برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌هایی که در بازار سرمایه فعالیت می‌کنند، بسیار مفید باشد. این پژوهش به بررسی تاثیر بین کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام با درنظرگرفتن نقش اندازه مؤسسات حسابرسی اختصاص دارد. در ادامه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کناره‌گیری حسابرس

کناره‌گیری (اختیاری یا اجباری) حسابرس یک رویداد شرکتی مهم است که به روابط اساسی بین حسابرس و مدیریت و حسابرس و سهامداران می‌پردازد. این روابط با سؤالاتی در مورد استقلال حسابرس و مسئولیت‌های قانونی حسابرس در قبال سهامداران مرتبط است. کناره‌گیری ممکن است نشان‌دهنده یک شکست جدی در روابط بین حسابرس و مدیریت باشد و این می‌تواند برای بازار ناراحت‌کننده باشد. همچنین ممکن است مدیران تصمیم به اخراج حسابرسان (کناره گیری اجباری) بگیرند که این مسئله هزینه‌بر خواهد بود. با وجود این هزینه‌ها، شرکت‌ها حسابرسان خود را حذف می‌کنند؛ اما حسابرس ممکن است با کناره‌گیری (اختیاری) از برکنار شدن خود جلوگیری کند. برای مثال، حسابرس هنگامی که با خطر اخراج مواجه می‌شود، ممکن است برای حفظ شهرت و اعتبار خود کناره‌گیری کند. حتی در مواردی که مدیریت حسابرس را وادار به کناره‌گیری می‌کند، همچنان یک سیگنال پرهزینه برای هر دو طرف است و احتمالاً جدی گرفته می‌شود (دان، هیلیر و مارشال[1]، ۱۹۹۹).

از نگاه دیگر، افزایش مسئولیت قانونی حسابرس منجر به کناره‌گیری (اختیاری) بیشتر حسابرس و حسابرسی‌های باکیفیت پایین‌تر می‌شود. در واقع کناره‌گیری حسابرس زمانی اتفاق می‌افتد که هم حسابرسان جانشین بالقوه با مسئولیت کمتری نسبت به حسابرس فعلی و هم شرکت‌های صاحب‌کاری که دارای ریسک پنهان هستند وجود دارند. از آنجایی که کناره‌گیری (اختیاری) حسابرس زمانی اتفاق می‌افتد که حسابرس فعلی اعتقاد دارد مشتری دارای ریسک پنهان نسبتاً محتمل است، انتظار می‌رود شرکت‌هایی که حسابرسان آنها کناره‌گیری می‌کنند نسبت به سایر شرکت‌ها دارای پیامدهای نامطلوب بیشتری باشند. از سوی دیگر، ازنقطه‌نظر اقتصادی، زمانی کناره‌گیری باید رخ دهد که حق‌الزحمه حسابرسی برای محافظت از حسابرس در برابر تلاش اضافی و خطر حسابرسی، از جمله هزینه دادرسی کافی نباشد (بوکوس و گیگلر[2]، ۱۹۹۸).

کاتاناخ و همکاران، (۲۰۱۱) بیان می کنند که کناره‌گیری حسابرس منعکس‌کننده تلاش حسابرسان برای مدیریت ریسک‌های خود می‌باشد. همچنین کناره‌گیری پس از پایان سال مالی صاحب‌کار اما قبل از انتشار صورت‌های مالی حسابرسی شده (زمانی که حسابرسی احتمالاً در حال انجام است) ممکن است سیگنالی برای وجود موضوع مشکل‌ساز باشد که حسابرس با اطلاع از آن اقدام به کناره‌گیری از ادامه کار کرده است. در واقع، کناره‌گیری حسابرس می‌تواند در برخی موارد نشان‌دهنده وجود مسائلی باشد که حسابرس با اطلاع از آن‌ها، نمی‌تواند به‌درستی اطمینان حاصل کند که صورت‌های مالی شرکت صحیح و قابل اعتماد هستند. مثلاً، ممکن است حسابرس در طول حسابرسی شرکت، به مشکلاتی مانند عدم تطابق در اسناد مالی، نارسایی کنترل داخلی، یا مسائل دیگری برخورد کند که نشان‌دهنده وجود ریسک‌های بالقوه در صورت‌های مالی شرکت هستند. در این صورت، حسابرس ممکن است تصمیم به کناره‌گیری از حسابرسی در شرکت بگیرد تا هرگونه مسئله را به فوریت بیاورد ؛ بنابراین، کناره‌گیری حسابرس باید یک علامت هشداردهنده باشد مبنی بر اینکه این احتمال وجود دارد که شرکت سعی دارد چیزی را مخفی کند یا به طور مصنوعی سود خود را افزایش دهد (بابل[3]، ۲۰۱۵).

[1] Dunn, Hillier & Marshall
[2] Bockus & Gigler
[3] Babul

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

مفهوم ریسک

هیچ تعریف توافقی از مفهوم ریسک وجود ندارد. مطالعه ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که راه‌های مختلفی برای درک مفهوم ریسک وجود دارد. برخی از تعاریف بر اساس احتمال، شانس یا مقادیر مورد انتظار، برخی بر اساس رویدادها یا خطرات نامطلوب و برخی دیگر بر اساس عدم‌قطعیت‌ها هستند. برخی ریسک را ذهنی و معرفتی و وابسته به دانش موجود می‌دانند، درحالی‌که برخی دیگر به ریسک یک وضعیت هستی‌شناختی مستقل از ارزیاب‌ها می‌دهند (آون و رن[1]، ۲۰۰۹). همچنین کرچشتایگر[2] (۲۰۰۲) این‌گونه تعریف می‌کند که ریسک به معنای احتمال یک اثر خاص از یک خطر خاص است که در یک دوره مشخص یا در شرایط خاص رخ می‌دهد. در ادبیات زبان فارسی هم از ریسک به‌عنوان خطر یا عدم‌اطمینان از وقوع رویدادی که می‌تواند موجب خسارت یا زیان شود یاد شده است.

ریسک سقوط قیمت سهام

بیشتر پژوهش‌های گذشته مدیریت اطلاعات را عامل سقوط قیمت سهام می‌دانند. در این دیدگاه، مدیران می‌توانند اطلاعات منفی را ذخیره کرده و آن‌ها را از دید سرمایه‌گذاران پنهان کنند تا زمانی که اطلاعات انباشته شده به یک نقطه اوج رسید به یکباره منتشر می‌شود و منجر به سقوط قیمت سهام می‌شود. به‌عنوان مثال، چندین مدل اخیر پیش‌بینی می‌کنند که مدیران ممکن است به طور سیستماتیک اخبار بد را تا زمانی که از یک آستانه عبور کنند، پنهان کنند که در آن نقطه دیگر پنهان کردن آن اطلاعات منفی امکان‌پذیر یا مطلوب نیست. در این مرحله، اطلاعات در یک دسته بزرگ منتشر می‌شود که باعث سقوط قیمت سهام می‌شود (برادشاو، هاتن، مارکوس و تهرانیان[3]، ۲۰۱۰). مدیران مایل‌اند شخصاً زیان‌های موقت را برای محافظت از شغل خود پنهان کنند. با این حال، پس از یک سری نتایج بد، آنها ممکن است تمایلی نداشته باشند یا نتوانند ضرر بیشتری را پنهان کنند؛ بنابراین اگر موقعیت‌های خود را رها کنند، تمام شوک‌های منفی که قبلاً مشاهده نشده بود یکباره برای عموم منتشر شده و منجر به سقوط قیمت سهام می‌شوند. بازارهای با شفافیت پائین، سقوط‌های متوالی را تجربه خواهند کرد (جین و مایرز[4]، ۲۰۰۶). درحالی‌که اکثر پژوهشگران سقوط قیمت سهام را نتیجه انباشت اطلاعات منفی و مدیریت سود از سوی مدیران عنوان کرده‌اند، برخی دیگر از پژوهش‌ها پیش‌بینی‌های نادرست از سوی تحلیلگران بازار راه هم دخیل دانستند. لاکونیشوک، شلیفر و ویشنی[5](۱۹۹۴) و هیرشلیفر، هو، تئو و ژانگ[6] (۲۰۰۴)، افزایش اقلام تعهدی در ترازنامه را منجر به خوش‌بینی سرمایه‌گذاران و تحلیلگران قلمداد کردند که باعث ارزش‌گذاری بیش از حد برای شرکت‌ها می‌شود. سپس در زمانی که بازار متوجه این ارزش‌گذاری اشتباه شد، قیمت سهام روبه‌کاهش خواهد رفت. از آنجایی که حسابرسان در مقایسه با سرمایه‌گذاران و تحلیلگران خارجی اطلاعات بیشتری در مورد یک شرکت دارند، محققان هرگونه تغییر در حسابرس را به‌عنوان موضوع بررسی می‌بینند و تلاش می‌کنند تا دلایل این تغییر را کشف و درک کنند. (لی،۲۰۲۰).

برای ارزیابی تأثیر تغییرات حسابرس، باید به صورت جامع و سیستماتیک عوامل مختلفی از جمله دلایل تغییر حسابرس و شرایط خاص شرکت را مورد بررسی قرار داد و از این طریق تأثیر هر یک از تغییرات حسابرس را بر بازار سهام تخمین زد (بلاو، براف، اسمیت و استفن[7]،۲۰۱۳). در واقع، واکنش بازار به تغییرات داوطلبانه و غیرارادی ممکن است متفاوت باشد و پیامدهای مشخصی برای تنظیم‌کننده‌ها داشته باشد. بازار کناره‌گیری حسابرس را رویداد منفی قلمداد می‌کند، زیرا کناره‌گیری حسابرس بدون دلیل قانع‌کننده هزینه‌بر خواهد بود. همچنین شرکت‌هایی که کناره‌گیری حسابرس را تجربه می‌کنند، به طور متوسط پس از کناره‌گیری عملکرد ضعیفی دارند (دان و همکاران، ۱۹۹۹). شواهد حاکی از آن است که کناره‌گیری (اختیاری) حسابرس به‌جای اخراج (به‌ویژه در کوتاه‌مدت) منجر به بازده منفی می‌شود (ولز و لودر[8]، ۱۹۹۷).

[1] Aven & Renn
[2] Kirchsteiger
[3] Bradshaw, Hutton, Marcus & Tehranian
[4] Jin & Myers
[5] Lakonishok, Shleifer & Vishny
[6] Hirshleifer, Hou, Teoh & Zhang
[7] Blau, Brough, Smith & Stephens
[8] Wells & Loudder

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

از این‌رو، کناره‌گیری (اختیاری یا اجباری) حسابرس باید یک علامت هشداردهنده باشد مبنی بر اینکه این احتمال وجود دارد که شرکت سعی دارد چیزی را مخفی کند یا به طور غیرواقعی سود خود را افزایش دهد (بابل، ۲۰۱۵). پس می‌توان استنباط کرد که حسابرس به منظور کاهش ریسک حسابرسی، قبل از رویداد سقوط سهام از صاحب‌کاری که احتمال سقوط قیمت سهام در آینده را دارد، کناره‌گیری خواهد کرد. همچنین به دنبال کناره‌گیری حسابرس احتمال سقوط قیمت سهام افزایش پیدا می‌کند. در سوی مقابل، اگر شرکت مورد رسیدگی با سقوط قیمت سهام مواجه شود، حسابرسان به دلیل اینکه این اتفاق را یک ریسک مشارکت اضافی در نظر می‌گیرند که ممکن است در آینده منجر به طرح دعاوی حقوقی شود، اقدام به کناره‌گیری خواهند کرد (لی،۲۰۲۰). درحالی‌که به نظر می‌رسد شرکت‌های کوچک در اوایل دهه ۱۹۹۰ هدف کناره‌گیری حسابرسان بوده‌اند، تعداد کناره‌گیری حسابرسان در اواسط دهه ۱۹۹۰ تشدید شد و این کناره‌گیری‌ها دیگر در بین شرکت‌های کوچک متمرکز نبود. این رشد کناره‌گیری حسابرس در تعداد و اندازه نشان می‌دهد که شرکت‌های حسابرسی بزرگ‌تر نقش‌های جانشین حسابرس بیشتری را پر خواهند کرد. بدین جهت، مؤسسات بزرگ حسابرسی در مقایسه با مؤسسات کوچک‌تر احتمال بیشتری دارند که قبل از رویداد سقوط قیمت سهام اقدام به کناره‌گیری کنند. چراکه مؤسسات بزرگ حسابرسی نسبت به ریسک‌های مرتبط با خدمات حسابرسی حساسیت بیشتری داشته و اغلب برای تعدیل پرتفوی مشتریان خود انعطاف بالاتری نشان می‌دهند (کاتاناخ و همکاران، ۲۰۱۱؛ راما و رید[1]، ۲۰۰۶).

نتایج پژوهش هوانگ و شولز[2] (۲۰۱۲) نشان داد که چه مؤسسات حسابرسی بزرگ و چه مؤسسات حسابرسی کوچک پس از اعلامیه‌های تجدید ارائه صورت های مالی اقدام به کناره‌گیری خواهند کرد. همچنین لی (۲۰۲۰) در پژوهش خود عنوان می‌کند که اندازه مؤسسات حسابرسی بر تصمیم کناره‌گیری آنان در زمان سقوط قیمت سهام تأثیری ندارد، زیرا شرکت مورد رسیدگی به یک مشتری پر ریسک برای مؤسسات حسابرسی بزرگ و کوچک تبدیل خواهد شد. درواقع مؤسسات بزرگ و کوچک حسابرسی در این شرایط با تنظیم حق‌الزحمه حسابرسی خود یا تصمیم‌گیری درباره کناره‌گیری به ریسک ایجاد شده واکنش نشان می‌دهند. باید در نظر داشت که اندازه مؤسسات حسابرسی یکی از معیارهای کیفیت خدمات حسابرسی به شمار می‌رود. از این‌رو هرچه اندازه مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر باشد، کیفیت فرایند حسابرسی هم بالاتر خواهد رفت و این مسئله موجب کمک به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام خواهد بود. در سوی مقابل اگر از مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر استفاده شود، خدمات حسابرسی باکیفیت کمتری دریافت شده و شفافیت گزارش‌های مالی تحت‌تأثیر قرار خواهد گرفت که در نتیجه می‌تواند ریسک سقوط قیمت سهام را بالا ببرد. از طرفی به دنبال رویداد کناره‌گیری اگر شرکت حسابرس خود را از مؤسسات بزرگ به یکی از مؤسسات کوچک‌تر تغییر دهد، باید توجه بیشتری شود. عموماً اعتقاد بر این است که کیفیت خدمات حسابرسی مؤسسات بزرگ بالاتر از مؤسسات کوچک است. تغییر به حسابرس کوچک‌تر شک و تردیدهای بیشتری را در مورد شرکت در بین سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند که می‌تواند منجر به روند نزولی سهام در بازار شود (بابل، ۲۰۱۵).

مطالعه لی (۲۰۲۰) نشان می دهد که ریسک سقوط قیمت سهام یک شرکت یکی از عوامل کلیدی تأثیرگذار بر تصمیمات حسابرسان برای حفظ مشتری است. سقوط قیمت سهام احتمال ادعای شکایت حقوقی و تجدید ارائه صورتهای مالی در آینده را افزایش می دهد. نتایج نشان داد که اندازه حسابرس قبل از وقوع سقوط، بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به حفظ مشتری تأثیر می‌گذارد و حسابرسان بزرگ در مقایسه با حسابرسان کوچک‌تر، اغلب از شرکت‌های صاحبکار با ریسک سقوط بالا استعفا می‌دهند. با این حال، اندازه حسابرس پس از وقوع یک سقوط نامربوط تلقی می‌شود، زیرا اینگونه شرکت‌ها پس از آن به مشتریانی پرخطر برای حسابرسان بزرگ و کوچک تبدیل می‌شوند. بنابراین این مطالعه شواهدی را ارائه می‌کند که نشان می‌دهد حسابرسان با اندازه‌های مختلف با انگیزه‌های متفاوتی برای تغییر رابطه خود قبل از سقوط قیمت سهام مواجه هستند و اینکه این انگیزه‌ها پس از سقوط تغییر می‌کنند.

[1] Rama & Read
[2] Huang & Scholz

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

پیشینه خارجی

ماتار، الخوری و چانین[1] (۲۰۲۳) در پژوهش خود تحت عنوان "واکنش بازار به تصمیمات تغییر مؤسسه حسابرسی" که با استفاده از اطلاعات شرکت‌های بریتانیایی بازار بورس لندن و در بازه ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۸ با به کارگیری روش رگرسیون حداقل مربعات بود، نشان دادند که به طور کلی تغییر حسابرس موجب واکنش منفی بازار نخواهد بود؛ اما تغییر از مؤسسات کوچک حسابرسی به مؤسسات بزرگ با واکنش مثبت بازار همراه بوده است.

علی، ویلسون و هوسنین[2] (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان"عوامل تعیین‌کننده در سطح خرد، میانی و کلان ریسک سقوط قیمت سهام" به طور سیستماتیک ۸۵ مقاله تجربی منتشر شده در مجلات رتبه بندی ABS را برای ارزیابی عوامل تعیین کننده در سطح کلان، میانی و خرد که باعث سقوط قیمت سهام می شوند، بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که عوامل کلان اقتصادی مانند حاکمیت شرکتی، عوامل سیاسی و حقوقی، شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی و اعتقادات مذهبی بر رفتار شرکت در سطح شرکت تأثیر دارند که به ریسک سقوط قیمت سهام منجر خواهد شد. تمرکز مشتری در سطح متوسط، ویژگی‌های سطح صنعت، پوشش رسانه‌ای، ویژگی‌های ساختاری مالکیت و عوامل رفتاری تأثیر قابل‌توجهی بر ریسک سقوط قیمت سهام دارند. در نهایت، متغیرهای سطح خرد مؤثر بر ریسک سقوط بازار سهام شامل کیفیت و پاداش مدیرعامل، سیاست‌های تجاری، مدیریت سود، شفافیت مالی، ویژگی‌های مدیریتی و متغیرهای خاص شرکت است.

شی، اندرسون، چی و لیائو[3] (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان "کنترل دولتی و ریسک سقوط قیمت سهام" در بورس‌های شانگهای و شنژن چین و با تعداد نمونه شامل ۲۲۸۵ در بازه ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۹ نشان دادند که کنترل دولتی به طور منفی با ریسک سقوط قیمت سهام در آینده مرتبط است. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که کنترل دولتی ریسک سقوط قیمت سهام را از طریق اجرای سیاست‌های محافظه‌کارانه شرکت کاهش می‌دهد. علاوه بر این، تأثیر کنترل دولت با دخالت شدید دولت، به‌عنوان مثال در صنایع استراتژیک و زمانی که کنترل‌کننده نهایی یک شرکت یک سازمان دولتی غیر شرکتی یا دولت مرکزی باشد، بارزتر است.

چنگ، لیو و شی[4] (۲۰۲۲) در نتایج پژوهش خود با عنوان "ادغام معکوس و ریسک سقوط قیمت سهام" با استفاده از داده‌های جمع‌آوری‌شده از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ در چین، و روش تجزیه و تحلیل رگرسیون حداقل مربعات بیان کردند که شرکت‌هایی که از طریق ادغام معکوس وارد بازار سرمایه شدند ریسک سقوط قیمت سهام آینده بالاتری نسبت به شرکت‌های عرضه اولیه شده دارند. همچنین هر چه یک شرکت بیشتر در بازار بماند، ریسک سقوط قیمت سهام برای شرکت‌های ادغام معکوس بیشتر از شرکت‌های عرضه اولیه شده کاهش می‌یابد.

مارتانی، رحما، فیتریانی و آنگرایتا[5] (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان "تأثیر دوره تصدی و چرخش حسابرس بر کیفیت حسابرسی" با استفاده از اطلاعات سالانه از ۲۱۵ شرکت حاضر در بازار سرمایه اندونزی برای دوره ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ و روش رگرسیون حداقل مربعات، نشان دادند که رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی معنی‌دار نیست. علاوه بر این، این پژوهش نشان می‌دهد که چرخش مؤسسات حسابرسی کوچک به طور قابل‌توجهی کیفیت حسابرسی را بهبود می‌بخشد، درحالی‌که چرخش شریک حسابرسی بر کیفیت حسابرسی تأثیر نمی‌گذارد. این نشان می‌دهد که چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی هنوز برای مؤسسات کوچک ضروری است و چرخش شریک حسابرسی فقط برای حفظ استقلال و در نتیجه کیفیت حسابرس کافی نیست.

شهاب، نتیم، اوللا، چن و یی[6] (۲۰۲۰) در پژوهش خود تحت عنوان "قدرت مدیرعامل و ریسک سقوط قیمت سهام در چین" با استفاده از اطلاعات شرکت‌های فهرست شده چینی در بازه ۲۰۰۵-۲۰۱۵ (۱۳۴۲۱ مشاهدات سال شرکت) و با روش

[1] Mattar, El Khoury & Chaanine
[2] Ali, Wilson & Husnian
[3] Xie, Anderson, Chi & Liao
[4] Cheng, Liu & Xie
[5] Martani, Rahmah, Fitriany & Anggraita
[6] Shahab, Ntim, Ullah, Chen & Ye

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله‌ای استدلال می‌کنند که مدیران عامل اطلاعات حیاتی را با هدف افزایش پاداش خود پنهان می‌کنند و قدرت مدیرعامل ریسک سقوط قیمت سهام در آینده را افزایش می‌دهد.

لی (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان "سقوط قیمت سهام و تصمیمات حسابرسان برای حفظ مشتری" با استفاده از اطلاعات شرکت‌های آمریکایی در بازه زمانی ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۴ و به‌کارگیری روش رگرسیون لجستیک، دریافت که احتمال کناره‌گیری حسابرسان بزرگ پیش از سقوط قیمت سهام بیشتر از حسابرسان کوچک می‌باشد. درحالی‌که پس از سقوط قیمت سهام، اندازه حسابرس در احتمال کناره‌گیری اهمیت نداشته است.

حبیب و هوآنگ[1] (۲۰۱۹) در پژوهش خود تحت عنوان "تاخیرهای غیرعادی طولانی گزارش حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام" با استفاده از اطلاعات مالی، حسابرسی و مالکیت برای شرکت‌های فهرست‌شده چینی طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ و به‌کارگیری روش رگرسیون حداقل مربعات بیان کردند که تأخیر غیرعادی و طولانی‌مدت گزارش حسابرسی خطر سقوط قیمت سهام در آینده را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، این مطالعه نشان می‌دهد که این پیامد نامطلوب برای شرکت‌هایی با محیط کنترل داخلی ضعیف آشکارتر است.

پیشینه داخلی

شفیعی و سالاری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر گزارش مشروط حسابرس بر نوسانات بازار سهام" به این نتیجه رسیدند که ارتباط معناداری میان اظهارنظر مشروط حسابرس با نوسانات بازار سهام وجود دارد. همچنین اظهارنظر مشروط با فرض تداوم فعالیت تأثیر معناداری بر نوسانات بازار سهام دارد.

اخگر، امینی و مرادی (۱۴۰۱) در پژوهش خود تحت عنوان "بررسی تأثیر عملکرد زیست‌محیطی بر ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر محافظه‌کاری حسابداری" دریافتند که عملکرد زیست‌محیطی تأثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد؛ اما اخذ رویه محافظه‌کاری حسابداری موجب تضعیف این رابطه خواهد شد.

خوشکار و رضایی (۱۴۰۱) در پژوهش خود تحت عنوان "تأثیر اهمیت صاحب‌کار بر کیفیت حسابرسی با توجه به چرخش اجباری حسابرس" نشان دادند که اهمیت صاحب‌کار تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت حسابرسی خواهد داشت. همچنین چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی بر رابطه بین اهمیت صاحب‌کار باکیفیت حسابرسی تأثیرگذاری ندارد.

نوروزی، قدرتی زوارم، نجاری و باقری (۱۴۰۱) در نتایج پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین تصدی کوتاه‌مدت و بلندمدت حسابرس و محافظه‌کاری حسابداری" بیان داشتند که کاهش محافظه‌کاری حسابداری با تصدی بلندمدت حسابرس رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین دوره تصدی بلندمدت باعث می‌شود که گزارش‌های محافظه‌کارانه‌تری صادر شود.

همتی، محمدی و میرشاهی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "تأثیر افشای اختلاف حسابرس و صاحب‌کار بر کناره‌گیری حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی پرداخت شده به حسابرسان جانشین" نشان دادند که رابطه مثبت و معناداری بین افشای اختلاف‌نظر حسابرس با صاحب‌کار و حق‌الزحمه پرداختی به حسابرس جانشین وجود دارد.

امین عشایری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "رابطه قدرت مدیرعامل و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های بورسی" نشان داد که قدرت مدیرعامل پس از سقوط قیمت سهام کمتر خواهد شد؛ بنابراین ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر منفی قابل‌توجهی بر قدرت مدیرعامل دارد و رابطه معناداری بین این دو متغیر حاکم است.

نصیرزاده، عباس‌زاده و ذوالفقار آرانی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان "بررسی خوش‌بینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر روی ریسک سقوط قیمت سهام" دریافتند که خوش‌بینی مدیران روی ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. همچنین، خوش‌بینی مدیران بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط قیمت سهام تأثیرگذار بوده و این رابطه را شدت می‌بخشد.

ودیعی نوقابی و رستمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر نوع مالکیت نهادی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام" به این نتیجه رسیدند که مالکیت نهادی تأثیر مثبت و معناداری روی ریسک سقوط آتی قیمت سهام خواهد داشت. همچنین،

[1] Habib & Huang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

نتایج حاکی از این است با تفکیک مالکیت نهادی به بخش‌های فعال و غیرفعال، تأثیرگذاری مثبت مالکیت نهادی روی ریسک سقوط قیمت سهام ناشی از مالکیت نهادی غیرفعال بوده و مالکان نهادی فعال نقش نظارتی در کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام دارند. درواقع، مالکیت نهادی فعال تأثیر منفی و مالکیت نهادی غیرفعال تأثیر مثبت روی ریسک سقوط آتی قیمت سهام دارند.

فرضیه‌های پژوهش

براساس مبانی نظری انتظار می رود که کناره گیری حسابرس روی ریسک سقوط سهام تاثیر داشته باشد لذا به منظور کسب شواهد عینی فرضیات پژوهش به شرح ذیل تدوین می گردد و همچنین اینکه اگر سهام شرکت دچار ریسک سقوط قیمت شود، می تواند باعث کناره گیری حسابرس در سال آتی شود، لذا می توان فرضیات را بصورت دوسویه مورد آزمون قرار داد. بنابراین فرضیات پژوهش بشرح زیر می باشد:

فرضیه اول: ریسک سقوط قیمت سهام بر کناره‌گیری حسابرس در سالی مالی بعد تاثیر معنادار دارد.

فرضیه دوم: کناره‌گیری حسابرس بر ریسک سقوط قیمت سهام در سال مالی تاثیر معنادار دارد.

فرضیه سوم: اندازه مؤسسات حسابرسی، رابطه بین ریسک سقوط قیمت سهام و کناره‌گیری حسابرس در سال مالی بعد را تعدیل می نماید.

فرضیه چهارم: اندازه مؤسسات حسابرسی، رابطه بین کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام در سال مالی را تعدیل می نماید.

روش پژوهش

پژوهش از منظر هدف، کاربردی و از دیدگاه نوع استدلال برای نتیجه‌گیری در زمره پژوهش‌های استقرایی و از دیدگاه ماهیت بدلیل بررسی همبستگی بین دو متغیر در طبقه پژوهش‌های توصیفی قرار دارد. در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و شاخص‌های پراکندگی شامل انحراف استاندارد انجام شد. همچنین، برای آزمون فرضیه ها از الگوی رگرسیون داده‌های چندمتغیره استفاده شد. برای انتخاب از بین روش‌های الگوهای رگرسیونی ترکیبی و الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت از آزمون F لیمر استفاده شده است. اگر در آزمون F لیمر روش داده‌های ترکیبی انتخاب شود، کار تمام است؛ اما اگر روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انتخاب شد لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می‌شود.

جامعه آماری

پژوهش حاضر از دیدگاه افق زمانی جزو پژوهش‌های پس رویدادی (غیرتجربی) قرار دارد. جامعه‌ی آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله‌ی زمانی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ است. در این پژوهش، برای تعیین نمونه‌ی آماری از روش نمونه‌گیری به صورت حذف سیستماتیک استفاده شد؛ بدین صورت که در هر مرحله از بین کلیه شرکت‌های موجود در پایان سال ۱۴۰۰، شرکت‌هایی که دارای شرایط جدول (۱) نبوده‌اند، حذف شده و شرکت‌های باقی‌مانده برای انجام آزمون انتخاب شدند:

جدول (۱): نحوه گزینش شرکت‌های نمونه

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا انتهای سال ۱۴۰۰	۳۱۸
حذف می‌شوند:	
شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده بودند	(۷۱)
سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند نداشته یا تغییر سال مالی دادند	(۲۲)
اطلاعات ناقص داشته یا در دسترس نبودند	(۱۷)
شرکت‌هایی که جزو واسطه‌گری مالی، بانکی و سرمایه‌گذاری بودند	(۲۹)
شرکت‌هایی که سه ماه متوالی وقفه معاملاتی داشتند	(۵۰)
تعداد نهایی شرکت‌های نمونه	۱۲۹

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

متغیرهای پژوهش

متغیر ریسک سقوط سهام

برای اندازه‌گیری ریسک سقوط قیمت سهام از معیار دوره سقوط قیمت سهام استفاده شده است. اگر قیمت سهام شرکت در یک دوره خاص با افت شدید مواجه شده باشد، اصطلاحاً گفته می‌شود که دوره سقوط رخ‌داده است. از طرفی ممکن است این کاهش شدید قیمت تحت‌تأثیر کاهش همگانی قیمت‌ها در بازار سهام باشد؛ بنابراین باید شرایط کلی بازار سرمایه را نیز در نظر گرفت و در مقایسه با بازده بازار اقدام به شناسایی دوره سقوط کرد دوره سقوط در یک سال مالی معین، دوره ای است که طی ان است بازده ماهانه خاص شرکت۳/۲ انحراف معیار کمتر از میانگین بازده ماهانه خاص آن باشد. اساس این تعریف بر این مفهوم آماری قرار دارد که با فرض نرمال بودن توزیع بازده ماهانه خاص شرکت نوسان هایی که در فاصله میانگین بعلاوه ۳/۲ انحراف‌معیار و میانگین منهای ۳/۲ انحراف معیار قرار می گیرد، از جمله نوسان های عادی محسوب می شود و نوسان های خارج از این فاصله جزئی از موارد غیر عادی قلمداد می شود.با توجه به اینکه سقوط قیمت سهام یک نوسان غیرعادی است، عدد ۲/۳ بعنوان مرز بین نوسانات عادی و غیرعادی مطرح است. در این پژوهش ریسک سقوط قیمت سهام، متغییری مجازی است که اگر شرکت تا پایان سال مالی حداقل یک روزه سقوط را تجربه کرده باشد، مقدار آن یک و در غیر اینصورت صفر خواهد بود. لذا بازده ماهانه خاص شرکت با استفاده از رابطه (۱) محاسبه می شود(هاتن، مارکوس و تهرانیان، ۲۰۰۹):

$$W_{j,t} = Ln\,(1 + \varepsilon_{j,t}\,)$$ رابطه (۱)

$\boldsymbol{W_{j,t}}$: بازده ماهانه خاص شرکت j در ماه t طی سال مالی

$\boldsymbol{\varepsilon_{j,t}}$: بازده باقیمانده سهام شرکت در ماه t و عبارت است از باقیمانده یا پسماند مدل در رابطه ۲.

$$r_{j,t} = \alpha_{\,j} + \beta_{1,j} r_{m,t-2} + \beta_{2,j}\, r_{m,t-1} + \beta_{3,j}\, r_{m,t} + \beta_{4,j}\, r_{m,t+1} + \beta_{5,j}\, r_{m,t+2} + \varepsilon_{j,t}$$ رابطه (۲)

که در مدل بالا:

$\boldsymbol{r_{j,t}}$: بازده سهام شرکت j در ماه t طی سال مالی است.

$\boldsymbol{r_{m,t}}$: بازده بازار در ماه می‌باشد برای محاسبه بازده ماهانه بازار، شاخص ابتدای ماه از شاخص پایان ماه کسر شده و حاصل بر شاخص ابتدای ماه تقسیم می‌شود.

رابطه (۲) با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و شیوه داده های ترکیبی برآورد شده و باقیمانه آن بشرح رابطه (۱) برای محاسبه بازده ماهانه خاص شرکت استفاده می شود. بازده ماهانه خاص شرکت نیز با توجه به تعریف مذکور به منظور اندازه‌گیری ریسک سقوط سهام سهام استفاده می‌شود.

متغیر کناره گیری حسابرس

متغیر کناره‌گیری حسابرس را مطابق پژوهش لی (۲۰۲۰) به صورت صفر و یک اندازه‌گیری خواهد شد. همچنین مطابق پژوهش سودمندی (۱۳۹۷)، درصورتی‌که حسابرس شرکت قبل از دوره تصدی ۴ساله تغییر کرده باشد، کناره‌گیری (اختیاری یا اجباری) تلقی خواهد شد. درواقع، برای کناره‌گیری حسابرس عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر قرار داده خواهد شد.

متغیر تعدیلگر اندازه موسسه حسابرسی

در پژوهش حاضر، با توجه به پژوهش لی (۲۰۲۰) مؤسسات حسابرسی بزرگ و کوچک به ترتیب با اعداد یک و صفر نشان داده می‌شوند و مطابق اکثر پژوهش‌های داخلی سازمان حسابرسی و مفید راهبر به‌عنوان مؤسسات بزرگ در نظر گرفته خواهند شد.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش که بر اساس لی (۲۰۲۰) اندازه‌گیری شده‌اند به شرح زیر هستند:

بازده دارایی‌ها (ROA): از تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

نسبت بدهی (LEV): از تقسیم کل بدهی بر کل دارایی ها

نرخ رشد فروش (SALESG): از تقسیم حاصل تفاضل فروش سال t با سال t-1 بر فروش سال t-1

دوره تصدی (TENURE): نشان‌دهنده میزان سال‌های همکاری حسابرس مستقل و صاحبکار

اظهارنظر تداوم فعالیت (GC): اگر شرکت از سوی حسابرس نظر تداوم فعالیت دریافت کند ۱ و در غیر این صورت صفر است.

اظهارنظر مقبول (AUOP): اگر شرکت از سوی حسابرس اظهارنظر مقبول دریافت کند ۱ و در غیر این صورت صفر است.

ضعف کنترل داخلی(IC): اگر گزارش حسابرس حاوی ضعف با اهمیت در کنترل داخلی شرکت باشد ۱ و در غیر این صورت صفر است.

با توجه مطالب فوق، مدل‌های آماری فرضیه‌های پژوهش طبق مبانی نظری و برگرفته از پژوهش لی (۲۰۲۰) بشرح زیر می‌باشد:

مدل (۱)
$$\text{AUDRES}_{t+1} = \alpha + \beta\text{CRASH}_t + y_1\text{SALESG}_t + y_2\text{ROA}_t + y_3\text{LEV}_t + y_4\text{IC}_t + y_5\text{AUOP}_t + y_6\text{GC}_t + y_7\text{TENURE}_t$$

مدل (۲)
$$\text{CRASH}_t = \alpha + \beta\text{AUDRES}_{t-1} + y_1\text{SALESG}_{t-1} + y_2\text{ROA}_{t-1} + y_3\text{LEV}_{t-1} + y_4\text{IC}_{t-1} + y_5\text{AUOP}_{t-1} + y_6\text{GC}_{t-1} + y_7\text{TENURE}_{t-1} + y_8\text{CRASH}_{t-1}$$

مدل (۳)
$$\text{AUDRES}_{t+1} = \alpha + \beta\text{CRASH}_t + y_1\text{BIGA}_t + \text{CRASH}_t \times \text{BIGA}_t + y_2\text{SALESG}_t + y_3\text{ROA}_t + y_4\text{LEV}_t + y_5\text{IC}_t + y_6\text{AUOP}_t + y_7\text{GC}_t + y_8\text{TENURE}_t$$

مدل (۴)
$$\text{CRASH}_t = \alpha + \beta\text{AUDRES}_{t-1} + y_1\text{BIGA}_{t-1} + \text{AUDRES}_{t-1} \times \text{BIGA}_{t-1} + y_2\text{SALESG}_{t-1} + y_3\text{ROA}_{t-1} + y_4\text{LEV}_{t-1} + y_5\text{IC}_{t-1} + y_6\text{AUOP}_{t-1} + y_7\text{GC}_{t-1} + y_8\text{TENURE}_{t-1} + y_9\text{CRASH}_{t-1}$$

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

با توجه به نتایج جدول (۲) بیشترین میانگین مربوط به دوره تصدی با عدد ۳/۲۲۶ است، این متغیر بالاترین میانه را نیز با ۳/۰۰۰ به خود اختصاص داده است. همچنین، حداکثر مقدار متغیر دوره تصدی ۱۳ سال است که مربوط به سازمان حسابرسی (در این پژوهش صرفاً مؤسسه اصلی مدنظر است و نه شریک) می‌باشد.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
بازده دارایی	**ROA**	۰/۱۵۹	۰/۱۳۰	۰/۶۷۳	-۰/۳۰۶	۰/۱۴۹
نسبت بدهی	**LEV**	۰/۵۳۷	۰/۵۴۴	۱/۲۷۳	۰/۰۱۲	-۰/۰۳۳
نرخ رشد فروش	**SALESG**	۰/۳۸۵	۰/۲۹۷	۱۸/۱۶۹	-۱	۰/۸۱۷
دوره تصدی	**TENURE**	۳/۲۲۶	۳/۰۰۰	*۱۳/۰۰۰	۱/۰۰۰	۲/۳۱۶

*مربوط به سازمان حسابرسی است که در گزارش حسابرسی شرکتها، تیم حسابرسی تغییر کرده است ولی موسسه تغییر نداشته است

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که کمترین میانگین مربوط به متغیر ضعف در کنترل‌های داخلی با میانگین ۰/۰۳۹ می‌باشد. میانگین متغیر نظر تداوم فعالیت نشان می‌دهد که ۹۹/۵ درصد از شرکت‌های نمونه از سوی حسابرس مستقل اظهارنظر تداوم فعالیت را دریافت کردند. همچنین، میانگین متغیر کناره‌گیری حسابرس حاکی از این است که ۴/۲ درصد از شرکت‌های نمونه با شیوه به کار گرفته شده این پژوهش، با کناره‌گیری حسابرس خود مواجه شدند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

جدول (۳): آمار توصیفی متغیرهای مجازی (دامی) پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
ریسک سقوط قیمت سهام	CRASH	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۷۶
کناره‌گیری حسابرس	AUDRES	۰/۰۴۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰۲
اندازه حسابرس	BIGA	۰/۲۶۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۳۹
اظهارنظر مقبول	AUOP	۰/۵۸۹	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۲
نظر تداوم فعالیت	GC	۰/۹۹۵	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۶۸
گزارش ضعف بااهمیت کنترل داخلی	IC	۰/۰۳۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۴

آزمون مانایی متغیرها

در تحلیل‌های اقتصادی فرض بر این است که بین متغیرهای مطرح در یک تئوری اقتصادی، ارتباط بلندمدت و تعادلی برقرار است. در تحلیل‌های اقتصادسنجی کاربردی جهت برآورد روابط بلندمدت بین متغیرها، میانگین و واریانس آن‌ها را در طی زمان ثابت و مستقل از عامل زمان، در نظر می‌گیرند و در نتیجه به طور ضمنی ثبات رفتاری را برای آن‌ها فرض می‌کنند.

نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش در جدول (۴) حاکی از این است که همه سطح اطمینان تمامی متغیرها کمتر از ۵ درصد می‌باشد. در واقع همه متغیرهای این پژوهش از مانایی برخوردار هستند.

جدول (۴): آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	آزمون فیشر	سطح معنی‌داری	نتیجه
ریسک سقوط قیمت سهام	CRASH	۱۹۸/۵۸۶	۰/۰۰۰۰	مانا
نظر تداوم فعالیت	GC	۲۵/۶۳۶۲	۰/۰۰۰۳	مانا
گزارش ضعف بااهمیت کنترل داخلی	IC	۴۵/۸۳۷۸	۰/۰۳۲۲	مانا
نسبت بدهی	LEV	۳۹۰/۵۹۲	۰/۰۰۰۰	مانا
دوره تصدی	TENURE	۶۲۰/۹۱۵	۰/۰۰۰۰	مانا
اظهارنظر مقبول	AUOP	۱۶۱/۱۹۸	۰/۰۱۳۸	مانا
بازده دارایی	ROA	۳۸۷/۱۸۲	۰/۰۰۰۰	مانا
نرخ رشد فروش	SALESG	۳۷۵/۰۱۸	۰/۰۰۰۰	مانا
کناره‌گیری حسابرس	AUDRES	۱۲۲/۲۴۱	۰/۰۰۰۰	مانا
اندازه حسابرس	BIGA	۴۹/۷۲۸۱	۰/۰۰۰۶	مانا

آزمون هم‌خطی چندگانه

برای آزمون شدت هم‌خطی چندگانه در تحلیل رگرسیون حداقل مربعات معمولی از عامل تورم واریانس استفاده می‌شود. در این پژوهش، اگر عامل تورم واریانس متغیرها کمتر از ۱۰ باشد، هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۵)، عامل تورم واریانس برای تمام متغیرهای توضیحی پژوهش در زیر مقدار بحرانی ۱۰ قرار دارند؛ بنابراین؛ هم‌خطی چندگانه در بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد.

جدول (۵): آزمون هم‌خطی بین متغیرها

متغیر	نماد	عامل تورم واریانس
ریسک سقوط قیمت سهام	CRASH	۱/۴۹۸
کناره‌گیری حسابرس	AUDRES(-1)	۱/۰۵۱
نظر تداوم فعالیت	GC	۶/۸۴۷
گزارش ضعف بااهمیت کنترل داخلی	IC	۶/۸۷۵
نسبت بدهی	LEV	۱/۸۲۴
دوره تصدی	TENURE	۱/۴۵۳
اظهارنظر مقبول	AUOP	۱/۴۲۳
بازده دارایی	ROA	۲/۷۰۱
نرخ رشد فروش	SALESG	۱/۵۷۳

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

آزمون ناهمسانی واریانس

بررسی مقادیر آماره کای‌دو آزمون‌های انجام‌شده در جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که فرضیه صفر برابری واریانس تایید نمی‌شود؛ لذا مشکل ناهمسانی واریانس در مدل وجود دارد؛ بنابراین در برآورد مدل از آزمون روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌گردد.

جدول (۶): آزمون ناهمسانی واریانس

	آزمون	آماره	معناداری
مدل ۱	براش - پاگان	۱۱۱۷۲/۲۷	۰/۰۰۰۰
مدل ۲	براش - پاگان	۱۵۱۸۸/۱۳	۰/۰۰۰۰
مدل ۳	براش - پاگان	۱۵۵۰۶/۲۳	۰/۰۰۰۰
مدل ۴	براش - پاگان	۱۰۵۹۹/۱۹	۰/۰۰۰۰

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول

در فرضیه اول به آزمون این مسئله پرداخته شده است که ریسک سقوط قیمت سهام بر کناره‌گیری حسابرس در سال مالی بعد تأثیرگذار خواهد بود. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه که با مدل (۱) آزمون شده در جدول (۷) آورده شده است.

جدول (۷): نتایج آزمون فرضیه اول

نام متغیر	مقدار ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدأ	۰/۰۴۶۹۴۴	۰/۰۰۰۶۱۷	۷۶/۰۴۱۲۰	۰/۰۰۰
ریسک سقوط قیمت سهام	۰/۰۰۰۴۲۵	۰/۰۰۰۶۱۷	۲/۵۵۱۵۶۰	۰/۰۱۰۹
نظر تداوم فعالیت	۰/۰۰۱۱۸۴	۰/۰۰۰۴۶۲	۲/۵۶۲۶۲۵	۰/۰۱۰۵
گزارش ضعف بااهمیت کنترل داخلی	۰/۰۰۱۶۱۵	۰/۰۰۰۵۶۶	۲/۸۵۲۷۰۴	۰/۰۰۴۴
نسبت بدهی	-۰/۰۰۰۴۰۲	۰/۰۰۰۶۹۱	-۰/۵۸۰۸۹۸	۰/۵۶۱۴
دوره تصدی	-۰/۰۰۰۲۰۵	۳/۷۳ E-۰۵	-۵/۴۹۷۸۷۶	۰/۰۰۰
اظهارنظر مقبول	-۰/۰۰۰۰۵۰۱	۰/۰۰۰۱۹۷	-۲/۵۴۱۸۰۲	۰/۰۱۲۲
بازده دارایی	۰/۰۰۲۲۸۶	۰/۰۰۰۸۰۱	۲/۸۵۴۶۵۷	۰/۰۰۴۴
نرخ رشد فروش	-۰/۰۰۰۲۱۴	۰/۰۰۰۱۱۱	-۱/۹۲۰۵۲۲	۰/۰۵۵۱
ضریب تعیین	۰/۱۶۶۴	آماره دوربین واتسون		۲/۱۷
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۵۵۷	سطح احتمال معناداری آماره F		۰/۰۰۰۳۹۳

همان‌طور که جدول (۷) نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری بین کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام برابر با ۰/۰۱۰۹ است که این مقدار کمتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر ۰/۰۵ است. همچنین قدرمطلق آماره **t** که برابر ۲/۵۶۲۶ می‌باشد از ۱/۹۶ بیشتر است؛ بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه صفر مبنی بر این که بین کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام ارتباط معناداری وجود ندارد، رد شده و فرضیه پژوهش تایید می‌گردد.

ضریب تعیین تعدیل شده در مدل برابر ۰/۰۵۵ است که اظهار می‌دارد که ۵/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل توضیح داده شده است. اگر چه قسمتی از متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل توضیح داده نشده است، اما با درنظرگرفتن آماره **F** و سطح معناداری آن می‌توان گفت که این مدل برای آزمون متغیرهای مستقل و وابسته مناسب می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد رابطه منفی و معناداری بین دوره تصدی و اظهارنظر مقبول با کناره‌گیری حسابرس وجود دارد، درواقع با کاهش این متغیرها احتمال کناره‌گیری نیز بالا خواهد رفت. آماره دوربین واتسون نیز در مقدار ۲/۱۷ قرار دارد، از آنجایی که مقدار مناسب این آماره ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس نشان می‌دهد که بین متغیرهای پژوهش همبستگی متوالی وجود ندارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

آزمون فرضیه دوم

در فرضیه دوم این پژوهش به آزمون وجود ارتباط بین احتمال ریسک سقوط قیمت سهام در سال مالی بعد از کناره‌گیری حسابرس پرداخته شده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه که با مدل (۲) آزمون شده در جدول (۸) نشان داده شده است.

جدول (۸): نتایج آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	مقدار ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدأ	۰/۱۷۰۱۷۲	۰/۰۲۱۷۳۶	۷/۸۲۸۹۹۸	۰/۰۰۰
کناره‌گیری حسابرس (t_{-1})	۰/۰۲۰۵۱۲	۰/۰۰۶۲۳۹	۳/۲۸۷۷۷	۰/۰۰۱۰
ریسک سقوط قیمت سهام (t_{-1})	۰/۰۶۱۳۸۷	۰/۰۳۳۸۸۹	۱/۸۱۱۴۰۹	۰/۰۷۰۴
نظر تداوم فعالیت (t_{-1})	۰/۰۱۱۱۶۳	۰/۰۲۰۶۲۴	۰/۵۴۰۷۹۲	۰/۵۸۸۸
گزارش ضعف بااهمیت کنترل داخلی (t_{-1})	-۰/۰۰۱۷۴۶	۰/۰۰۴۲۷۵	-۰/۴۰۸۴۳۷	۰/۶۸۳۰
نسبت بدهی (t_{-1})	-۰/۰۱۹۷۵۱	۰/۰۰۹۰۲۰	-۲/۱۸۹۷	۰/۰۲۸۸
بازده دارایی (t_{-1})	-۰/۰۰۱۴۰۹	۰/۰۱۰۲۶	-۰/۱۳۷۳۰۴	۰/۸۹۰۸
دوره تصدی (t_{-1})	۰/۰۰۰۸۸۶	۰/۰۰۰۲۹۹	۲/۹۶۴۷۸۸	۰/۰۰۳۱
اظهارنظر مقبول (t_{-1})	۰/۰۰۸۴۰۶	۰/۰۰۲۶۵۱	۳/۱۷۰۷۷۱	۰/۰۰۱۶
نرخ رشد فروش (t_{-1})	۰/۰۰۶۲۹۸	۰/۰۰۲۴۲۳	۲/۵۹۹۳۶۴	۰/۰۰۹۵
ضریب تعیین	۰/۶۴۳۸	آماره دوربین واتسون		۲/۰۰۹
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۹۶	سطح احتمال معناداری آماره F		۰/۰۰۰۰

همان گونه که جدول (۸) نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری بین کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام در سال مالی بعد برابر با ۰/۰۰۰۱ می‌باشد که این مقدار کمتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر ۰/۰۵ است. همچنین آماره t که برابر ۳/۲۸۷۸ می‌باشد از ۱/۹۶ بیشتر است؛ بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه صفر مبنی بر این که بین کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام در سال مالی بعد ارتباط معناداری وجود ندارد، رد شده و فرضیه پژوهش تایید می‌گردد.

ضریب تعیین تعدیل شده در مدل برابر ۰/۵۹۶ است که اظهار می‌دارد که ۵۹/۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل توضیح داده شده است. اگر چه قسمتی از متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل توضیح داده نشده است، اما با درنظرگرفتن آماره اف فیشر و سطح اهمیت آن می‌توان گفت که این مدل برای آزمون متغیرهای مستقل و وابسته مناسب می‌باشد. همچنین دیگر نتایج نشان می‌دهد که ارتباط معناداری میان نرخ رشد فروش، اظهارنظر مقبول و نسبت بدهی با ریسک سقوط قیمت سهام در سال مالی بعد از کناره‌گیری حسابرس وجود دارد. بررسی آماره دوربین واتسون نشان می‌دهد که همبستگی متوالی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد؛ چراکه این آماره ۲/۰۰۹ می‌باشد.

آزمون فرضیه سوم

در فرضیه سوم پژوهش به بررسی احتمال تأثیرگذاری اندازه مؤسسات حسابرسی بر رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در مدل فرضیه دوم پرداخته شده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه که با مدل (۳) انجام شده در جدول (۹) آورده شده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

جدول (۹): نتایج آزمون فرضیه سوم

نام متغیر	مقدار	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدأ	۰/۰۴۷۱۹۷	۰/۰۰۰۶۶۸	۷۰/۶۲۶۴	۰/۰۰۰۰
ریسک سقوط قیمت سهام	۰/۰۰۰۲۳۳	۰/۰۰۰۱۶۱	۱/۴۴۱۵	۰/۱۴۹۷
اندازه موسسه حسابرس	-۰/۰۰۰۵۲۰	۰/۰۰۰۸۲۷	-۰/۶۲۸۵	۰/۵۲۸۹
ریسک سقوط قیمت سهام*اندازه موسسه حسابرسی	۰/۰۰۱۶۲۲	۰/۰۰۰۶۴۴	۲/۵۱۷۶	۰/۰۱۲۰
دوره تصدی	-۰/۰۰۰۲۳۳	۴/۱۸ E-۰۵	-۵/۵۷۲۶	۰/۰۰۰۰
نسبت بدهی	-۰/۰۰۰۵۷۸	۰/۰۰۰۷۰۶	-۰/۸۱۸۸	۰/۴۱۳۱
گزارش ضعف بااهمیت کنترل داخلی	۰/۰۰۱۷۲۰	۰/۰۰۰۶۰	۲/۸۶۸۹	۰/۰۰۴۲
اظهارنظر مقبول	-/۰۰۰۵۵۰	۰/۰۰۰۲۰۲	-۲/۷۱۶۴۱	۰/۰۰۶۷
نرخ رشد فروش	-۰/۰۰۰۲۱۴	۰/۰۰۰۱۱۳	-۱/۸۸۶۵	۰/۰۵۹۵
نظر تداوم فعالیت	۰/۰۰۱۲۴۲	۰/۰۰۰۴۹۴	۲/۵۱۶۳	۰/۰۱۲۰
بازده دارایی	۰/۰۰۲۳۴۴	۰/۰۰۰۸۱۸	۲/۸۶۶۳	۰/۰۰۴۲
ضریب تعیین	۰/۱۶۶۶	آماره دوربین واتسون		۲/۱۷۸۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۵۴۰۸	سطح احتمال معناداری آماره F		۰/۰۰۰۵۸۶

همان گونه که جدول (۹) نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری بین اندازه مؤسسات حسابرسی با رابطه ریسک سقوط قیمت سهام و کناره‌گیری حسابرس (سقوط قبل از کناره‌گیری) برابر با ۰/۰۱۲۰ می‌باشد که این مقدار کمتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر ۰/۰۵ است همچنین آماره t که برابر ۲/۵۱۷۶ می‌باشد از ۱/۹۶ بیشتر است؛ بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه صفر مبنی بر این که اندازه مؤسسات حسابرسی بر رابطه بین کناره‌گیری حسابرس در ریسک سقوط قیمت سهام (سقوط قبل از کناره‌گیری) تأثیرگذار نیست، رد شده و فرضیه پژوهش تایید می‌گردد. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل برابر ۰/۰۵۴ است که اظهار می‌دارد که ۵/۴ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل توضیح داده شده است. اگر چه قسمتی از متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل توضیح داده نشده است، اما با درنظرگرفتن آماره اف فیشر و سطح اهمیت آن می‌توان گفت که این مدل برای آزمون تأثیر متغیر تعدیلگر بر رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته مناسب می‌باشد.

آزمون فرضیه چهارم

در فرضیه چهارم پژوهش به بررسی احتمال تأثیرگذاری اندازه مؤسسات حسابرسی بر رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در مدل فرضیه اول پرداخته شده است. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه که با مدل (۴) انجام شده در جدول (۱۰) آورده شده است.

جدول (۱۰): نتایج آزمون فرضیه چهارم

نام متغیر	مقدار ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدأ	۰/۱۷۳۰۲۷	۰/۰۲۲۶۴	۷/۶۴۲۴۷۰	۰/۰۰۰۰
کناره‌گیری حسابرس (t_{-1})	۰/۰۱۷۲۳۲	۰/۰۰۹۵	۱/۸۰۲۶۸	۰/۰۷۱۷
اندازه حسابرس (t_{-1})	-۰/۰۲۷۶۴	۰/۰۱۵۵	-۰/۷۷۶۸	۰/۰۷۵۹
کناره‌گیری حسابرس (t_{-1})*اندازه‌حسابرس(t_{-1})	۰/۲۴۴۰۸۰	۰/۱۱۵۲	۲/۱۱۸۶	۰/۰۳۴۴
اظهارنظر مقبول (t_{-1})	۰/۰۱۰۱۴۶	۰/۰۰۳۳۱۶	۳/۰۵۹۵	۰/۰۰۲۳
نرخ رشد فروش (t_{-1})	۰/۰۰۶۷۳۹	۰/۰۰۶۷۳	۱/۰۰۱۳۲	۰/۳۱۶۹
بازده دارایی(t_{-1})	-۰/۰۰۷۲۷	۰/۰۱۲۹۰۸	-۰/۰۵۶۳۶۱	۰/۹۵۵۱
دوره تصدی (t_{-1})	۰/۰۰۱۵۷۶	۰/۰۰۰۷۴۵	۲/۱۱۳۸۰۱	۰/۰۳۴۸
گزارش ضعف بااهمیت کنترل داخلی (t_{-1})	-۰/۰۰۳۲۲۲	۰/۰۰۲۲۵۱	-۱/۴۳۱۷۴۶	۰/۱۵۲۵
نسبت بدهی (t_{-1})	-۰/۰۲۲۶۱۷	۰/۰۱۳۱۶۶	-۱/۷۱۷۴	۰/۰۸۶۲
نظر تداوم فعالیت (t_{-1})	۰/۰۱۲۶۷۵	۰/۰۱۷۴۰۲	۰/۷۲۸۳۶۳	۰/۴۶۶۶
ریسک سقوط قیمت سهام (t_{-1})	۰/۰۶۲۶۵۰	۰/۰۳۶۳۵۵	۱/۸۰۵۷۷۸	۰/۰۷۱۲
ضریب تعیین	۰/۶۱۲۷	آماره دوربین واتسون		۲/۰۰۸
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۶۰	سطح احتمال معناداری آماره F		۰/۰۰۰۰

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

همان گونه که جدول (۱۰) نشان می‌دهد، سطح معنی‌داری بین اندازه مؤسسات حسابرسی و رابطه کناره‌گیری حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام (سقوط پس از کناره‌گیری) برابر با ۰/۰۳۴۴ می‌باشد که این مقدار کمتر از سطح معنی‌داری در نظر گرفته شده در پژوهش حاضر ۰/۰۵ است همچنین آماره t که برابر ۲/۱۱۸۶ می‌باشد از ۱/۹۶ بیشتر است؛ بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪، فرضیه صفر مبنی بر این که اندازه مؤسسات حسابرسی بر رابطه بین کناره‌گیری حسابرس در قبل از ریسک سقوط قیمت سهام تأثیرگذار نیست، رد شده و فرضیه پژوهش تایید می‌گردد.

ضریب تعیین تعدیل شده در مدل برابر ۰/۵۶۰ است که اظهار می‌دارد که ۵۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل توضیح داده شده است. اگر چه قسمتی از متغیر وابسته توسط متغیرهای مدل توضیح داده نشده است، اما با درنظرگرفتن آماری اف فیشر و سطح اهمیت آن می‌توان گفت که این مدل برای آزمون تأثیر متغیر تعدیلگر بر رابطه متغیرهای مستقل و وابسته مناسب می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در مبانی نظری اشاره شد بازار سرمایه و بالاخص قیمت سهام شرکت ها نسبت به وظایف و نقش حسابرس در صورتهای مالی حساس و عکس العمل نشان می‌دهند. مبانی نظری بیان می کند که حسابرسان و صاحبکاران معمولا قبل از سقوط قیمتی سهام عکس العمل های از قبیل استعفاء (کناره‌گیری اختیاری) یا برکناری (کناره‌گیری اجباری) نشان خواهند داد که از این موضوع می توان بعنوان محتوای اطلاعاتی استفاده کرد. ادبیات حسابرسی نشان می‌دهد که حسابرسان هنگام تمدید قرارداد مشتریان، ریسک‌های مختلفی را از قبیل شهرت و اعتبار موسسه و خطر دعوی قضایی که می تواند برای حسابرسان بسیار پرهزینه باشد، در نظر می‌گیرند. سرمایه گذاران اغلب سعی می‌کنند با شکایت از حسابرس، بخشی از زیان خود را جبران کنند. در واقع، در حالی که مطالعات قبلی بسیاری از عوامل تعیین کننده خطر دعوی قضایی را نشان داده‌اند (کیم و ژانگ[1] (۲۰۱۴). برخی از محققان (لی ۲۰۲۰) استدلال می‌کنند که تغییرپذیری بازده سهام و عملکردهای ضعیف قیمت سهام (سقوط قیمت سهام) بر احتمال شکایت بالقوه علیه حسابرسان تأثیر می‌گذارد زیرا عملکرد قیمت سهام شرکت‌ها یا حرکت‌های نوسانی قیمت می‌تواند هزینه‌های دادرسی حسابرسان را افزایش داده و خطر دعوی قضایی را افزایش می‌دهد و در نتیجه احتمال وقوع استعفای حسابرس را افزایش می‌دهد. عوامل زیادی می‌توانند به طور بالقوه بر تصمیمات حسابرسان برای تغییر روابط خود با مشتریان تأثیر بگذارند. از میان این عوامل، این مطالعه بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت تمرکز می‌کند و رابطه آن با استعفای حسابرس را بررسی می نمایدو دنبال پاسخ به این سوال بود که چگونه حوادثی از قبیل سقوط قیمت سهام شرکتها می تواند بر رابطه بین صاحبکار - حسابرس تأثیر بگذارد. به همین دلیل پژوهش حاضر به بررسی تاثیر کناره‌گیری (اختیاری یا اجباری) حسابرس برریسک سقوط قیمت سهام و بالعکس در بازار سرمایه ایران پرداخته است. برای انجام این پژوهش چهار فرضیه تدوین و از آزمون رگرسیون برای بررسی نتایج آن استفاده گردید. در ۲ مورد از فرضیات، اندازه مؤسسات حسابرسی به‌عنوان متغیر تعدیلگر به مدل اضافه گردید.

در فرضیه اول پژوهش به بررسی تاثیر ریسک سقوط قیمت سهام بر کناره‌گیری حسابرس در سالی مالی بعد پرداخته شد.نتایج نشان داد ارتباط معناداری بین ریسک سقوط قیمت سهام و کناره‌گیری حسابرس در سال مالی بعد وجود دارد. شرکت‌ها ممکن است به دلیل نقش حیاتی حسابرسان در حفظ اعتماد عمومی به بازار سهام و صحت گزارشگری مالی، صورت‌های مالی خود را به صورت استراتژیک دستکاری و متقلبانه ارائه کنند. این امر می‌تواند به دلیل این باشد که مدیران شرکت‌ها از انعکاس اخبار منفی خودداری می‌کنند، که در نهایت احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. به دلیل ریسک بالای سقوط قیمت سهام در شرکت‌های مشکوک به تقلب، انتظار می‌رود که حسابرسان این شرکت‌ها در سال قبل یا بعد از سقوط قیمت سهام، برای مدیریت بهتر پرتفوی و کاهش ریسک حسابرسی، کناره‌گیری کنند.

ریسک سقوط قیمت سهام می‌تواند باعث خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی به شرکت و بازار سرمایه شود. اگر حسابرسان نتوانند این ریسک را به طور صحیح ارزیابی کنند و گزارشگری مالی دقیقی ارائه ندهند، اعتماد سرمایه‌گذاران و بازار به خطر

[1] Kim & Zhang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

می‌افتد. همچنین؛ حسابرسان مسئولیت قانونی برای ارزیابی و تأیید صحت گزارش‌های مالی شرکت‌ها را دارند. درصورتی‌که ریسک سقوط قیمت سهام وجود داشته باشد و حسابرسان نتوانند این ریسک را به‌درستی ارزیابی کنند، ممکن است با مسائل قانونی مواجه شوند و به‌تبع آن، به خسارت‌های مالی و شکایات قضایی برای خود و شرکت که در آن سهامداران، سرمایه‌گذاران و نهادهای نظارتی ممکن است دخالت داشته باشند، منجر شوند. در فرضیه دوم نیز نشان داده شد که بین ریسک سقوط قیمت سهام و کناره‌گیری حسابرس در سال قبل رابطه معناداری حاکم است. از این‌رو، کناره‌گیری حسابرسان از شرکت می‌تواند نشان‌دهنده وجود مسائل جدی و ناشایست در شرکت باشد. این اقدام ممکن است باعث شک و عدم‌اطمینان سرمایه‌گذاران و بازار شود، زیرا آنها ممکن است بر این باور باشند که حسابرس، به دلایلی مربوط به مشکلات و ناکارآمدی شرکت، تصمیم به کناره‌گیری گرفته است کناره‌گیری حسابرسان می‌تواند منجر به افزایش عدم‌قطعیت درباره وضعیت شرکت شود. این عدم‌قطعیت می‌تواند باعث افزایش ریسک در بازار سهام شود، زیرا سرمایه‌گذاران و سهامداران اطلاعات کافی در مورد شرکت ندارند و نمی‌توانند تصمیم‌گیری درست و بهینه انجام دهند. نتایج فرضیه سوم پژوهش نشان داد که اندازه مؤسسات حسابرسی میزان تاثیرگذاری کناره‌گیری حسابرس بر ریسک سقوط قیمت سهام در سال مالی بعد را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در این زمینه باید اشاره داشت که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر عموماً با اعتبار بیشتری در بازار شناخته می‌شوند. نتایج تحقیقات گذشته از قبیل لی (۲۰۲۰) نشان می دهد زمانی که یک شرکت دچار سقوط قیمت سهام می شود احتمال وجود دعاوی حقوقی و تجدید ارائه صورتهای مالی، بیشتر می شود به همین دلیل موسسات بزرگ حسابرسی بدلیل دارا بودن یک پایگاه مشتری بزرگتر و دانش بیشتر در مورد صاحبکاران، امکان استعفای قبل و بعد از سقوط قیمت سهام را تجربه می کنند. کناره‌گیری یک حسابرس از یک شرکت ممکن است بر اعتبار و مسئولیت مؤسسه حسابرسی تأثیر بگذارد. با توجه به اعتبار بیشتر، کناره‌گیری ممکن است تحت توجه بیشتری قرار گیرد و نقش آن در ایجاد ریسک سقوط قیمت سهام بیشتر شود. به‌علاوه، مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر ممکن است روابط گسترده‌تری با سهامداران، سرمایه‌گذاران، نهادهای نظارتی و بازار داشته باشند. این روابط می‌توانند تأثیر قابل‌توجهی در تصمیمات حسابرسان و تعامل آنها با مخاطبان مالی داشته باشند. در صورت کناره‌گیری حسابرس از یک شرکت با اندازه‌بزرگ، تأثیر این روابط و ارتباطات ممکن است بیشتر و قوی‌تر باشد. درنهایت، فرضیه چهارم بیانگر این بود که اندازه مؤسسات حسابرسی شدت رابطه ریسک سقوط قیمت سهام و کناره‌گیری حسابرس در سال مالی بعد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در این رابطه می‌توان گفت که حسابرسان بزرگ‌تر عموماً منابع و توانایی‌های بیشتری دارند تا ریسک‌ها و مسائل مرتبط با صحت گزارشگری مالی شرکت‌ها را ارزیابی کنند. آنها ممکن است دسترسی به منابع انسانی، فنی و مالی بیشتری داشته باشند که بهبود کیفیت حسابرسی و کاهش ریسک‌ها را تسهیل کند. همچنین، مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر معمولاً تجربه و تخصص بیشتری در زمینه حسابرسی دارند. آنها ممکن است در روش‌ها و فرایندهای حسابرسی پیشرفته‌تری مسلط باشند و قادر به تشخیص و ارزیابی بهتر ریسک‌های مرتبط با سقوط قیمت سهام باشند. به طور کلی، نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش‌های لی (۲۰۲۰)، علیخانی، مران جوری و رضوانی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد؛ اما با نتایج ماتار، الخوری و چانین (۲۰۲۳) همسو نیست.

پیشنهادات

بر اساس نتایج پژوهش حاضر پیشنهاداتی ارائه میشود:

۱. با توجه به نتایج فرضیه‌ای اول و دوم که تأثیر متقابل ریسک سقوط قیمت سهام بر کناره‌گیری (اختیاری یا اجباری) حسابرس، پیشنهاد می‌گردد که سرمایه‌گذاران، تحلیلگران و فعالان بازار سرمایه در خصوص دلایل کناره‌گیری حسابرسان حساسیت و تامل بیشتری داشته باشند چون با توجه به مبانی نظری می تواند محتوای اطلاعاتی مفیدی داشته باشد.

۲. در خصوص نقش اندازه موسسات حسابرسی در میزان تاثیرپذیری ریسک سقوط سهام و کناره گیری حسابرس، بنظر می‌رسد میتوان به کناره گیری (اختیاری یا اجباری) موسسات بزرگ حسابرسی نگاه دقیقتر و حساس‌تری داشت. همچنین می توان پیشنهاد کرد که شرکت‌ها در انتخاب مؤسسه حسابرسی خود، به‌اندازه و قدرت مالی و تخصصی آن دقت بیشتری

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

داشته باشند چون مؤسسات حسابرسی بزرگ بدلیل داشتن دانش و تجربه بیشتر می‌توانند ریسک‌های مرتبط با سقوط قیمت سهام را بهبود ببخشند.

محدودیت‌های پژوهش

۱- مهم‌ترین محدودیت در این پژوهش یافتن داده‌های مربوط به کناره‌گیری حسابرس بود. طبق دستورالعمل مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت‌ها موظف به افشای تغییرات حسابرس و دلایل آنها هستند؛ اما اکثریت شرکت‌ها توجهی به این موضوع ندارند. لذا محققین برای تفکیک نوع کناره گیری اجباری و اختیاری فاقد دسترسی به اطلاعات لازم طبق دستورالعمل مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار بودند به همین دلیل هر ۲ نوع کناره گیری (اجباری و اختیاری) بعنوان شاخص عملیاتی متغیر مورد استفاده قرار گرفت.

۲- برای محاسبه ریسک سقوط قیمت سهام از معیار دوره سقوط استفاده شده است، لذا در صورت استفاده از معیارهای دیگر ممکن است نتایجی متفاوت حاصل شود؛ بنابراین در تفسیر و تعمیم نتایج پژوهش حاضر باید جانب احتیاط را در نظر گرفت.

۳- در روند جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات مالی برخی از شرکت‌های نمونه در دسترس نبود که در پژوهش‌های آتی باید این موضوع را مدنظر قرار داد.

منابع

اخگر، محمد امید؛ پیمان امینی و آزاده مرادی. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر عملکرد زیست‌محیطی بر ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر محافظه‌کاری حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران. **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، ۱۳(۱)، ۱۲۱-۱۴۰.

امین عشایری، آسو. (۱۴۰۰). رابطه قدرت مدیرعامل و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های بورسی. **نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری**، ۵(۱۸)، ۴۵-۶۵.

خوشکار، فرزین؛ و رضایی، فرهاد. (۱۴۰۱). تأثیر اهمیت صاحب‌کار بر کیفیت حسابرسی با توجه به چرخش اجباری حسابرس. **نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری**، ۶(۲۱)، ۹۳۹-۹۵۶.

سودمندی، سعید. (۱۳۹۷). **بررسی تأثیر محافظه‌کاری شرطی بر کناره‌گیری حسابرس با تأکید بر راهبری شرکتی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشکده علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی نوین اردبیل.

شفیعی، حسین؛ و سالاری، مصیب. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر گزارش مشروط حسابرس بر نوسانات بازار سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. **نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری**، ۶(۲۱)، ۱۸۵-۲۰۷.

عزیزپور شیرسوار، محسن. (۱۳۹۵). ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، **ماهنامه پژوهشهای مدیریت و حسابداری**، (۲۵)، ۱۰۵-۸۸.

علیخانی، رضیه؛ مهدی مران جوری؛ و جهانگیر رضوانی. (۱۳۹۶). تأثیر تغییر اجباری و داوطلبانه حسابرس مستقل بر نقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **دانش حسابرسی**، ۱۷(۶۹)، ۱۹۳-۲۱۶.

موسوی شیری، محمود. (۱۳۷۸). **بررسی تأثیر گزارش‌های حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

نصیرزاده، فرزانه؛ محمدرضا عباس‌زاده و محمدحسین ذوالفقار آرانی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر خوش‌بینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر روی ریسک سقوط قیمت سهام. **فصلنامه حسابداری مالی**، ۹(۳۴)، ۳۵-۷۰.

نوروزی، محمد؛ عباس قدرتی زوارم؛ عظیمه نجاری و فاطمه باقری. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین دوره تصدی کوتاه‌مدت و بلندمدت حسابرس و محافظه‌کاری حسابداری. **چشم‌انداز حسابداری و مدیریت**، ۵(۵۷)، ۱۳۲-۱۴۵.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

ودیعی نوقابی، محمدحسین؛ و رستمی، امین. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر نوع مالکیت نهادی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه حسابداری مالی**، ۶(۲۳)، ۴۳-۶۶.

همتی، حسن؛ محمد محمدی و ابراهیم میرشاهی. (۱۴۰۱). تأثیر افشای اختلاف حسابرس و صاحب‌کار بر کناره‌گیری حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی پرداخت شده به حسابرسان جانشین در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. (پژوهش‌های حسابرسی) **پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای**، ۲(۶)، ۵۶-۸۱.

Ali, W., Wilson, J., & Husnain, M. (2022). Micro-, meso- and macro-level determinants of stock price crash risk: A systematic survey of literature. **Managerial Finance**, 48(5), 784–804.

Aven, T., & Renn, O. (2009). On risk defined as an event where the outcome is uncertain**.** **European Journal of Risk Regulation**, 1(1), 1–11**.**

Babul, A. (2015). The impact of a change of an auditor on market returns. Master Thesis Finance. Tilburg School of Economics and Management.**Tilburg University**.

Blau, B. M., Brough, T. J., Smith, J. L., & Stephens, N. M. (2013). An examination of short-selling activity surrounding auditor changes**. Journal of Accounting, Auditing and Finance**, 28(4), 348–368**.**

Bockus, K., & Gigler, F. (1998). A theory of auditor resignation. **Journal of Accounting Research**, 36(2), 191**.**

Bradshaw, M. T., Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2010). Opacity, crash risk, and the option smirk curve. **SSRN Electronic Journal.**

Catanach, A., Irving, J. H., Williams, S. P., & Walker, P. L. (2011). An ex post examination of auditor resignations. **Accounting Horizons**, 25(2), 267–283**.**

Cheng, Z., Liu, Z. (F.), & Xie, J. (2022). Reverse mergers and stock price crash risk: Evidence from China. **Journal of Accounting Literature**, 44(2/3), 192–227**.**

DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. **Journal of Accounting and Economics**, 3(3), 183–199**.**

Dunn, J., Hillier, D., & Marshall, A. P. (1999). The market reaction to auditor resignations. **Accounting and Business Research**, 29(2), 95-108**.**

Dunn, K. A., & Mayhew, B. W. (2004). Audit firm industry specialization and client disclosure quality. **Review of Accounting Studies**, 9(1), 35-58**.**

Habib, A., & Huang, H. J. (2019). Abnormally long audit report lags and future stock price crash risk: Evidence from China. **International Journal of Managerial Finance**, 15(4), 611-635**.**

Hirshleifer, D. A., Hou, K., Teoh, S. H., & Zhang, Y. (2004). Do investors overvalue firms with bloated balance sheets? **SSRN Electronic Journal.**

Huang, Y., & Scholz, S. (2012). Evidence on the association between financial restatements and auditor resignations. **Accounting Horizons**, 26(3), 439-464**.**

Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2009). Opaque financial reports, R2, and crash risk. **Journal of Financial Economics**, 94(1), 67-86**.**

Jin, L., & Myers, S. C. (2006). R2 around the world: New theory and new tests. **Journal of Financial Economics**, 79(2), 257-292**.**

Kim, J. B., & Zhang, L. (2016). Accounting conservatism and stockprice crash risk: Firm level evidence. **Contemporary AccountingResearch**, 33(1), 412-441.

Kirchsteiger, C. (2002). International Workshop on Promotion of Technical Harmonisation on Risk-Based Decision-Making. **Safety Science**, 40(1-4), 1-15**.**

Knapp, M. C., & Elikai, F. (1988). Auditor changes: A note on the policy implications of recent analytical and empirical research. **Journal of Accounting, Auditing & Finance**, 3(3), 78-86**.**

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]

Lakonishok, J., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1994). Contrarian investment, extrapolation, and risk. **The Journal of Finance**, 49(5), 1541-1578**.**

Lee, K. Y. (2020). Stock price crashes and auditors' client-retention decisions. **Journal of Accounting, Auditing and Finance**, 37(2), 493-517**.**

Martani, D., Rahmah, N. A., Fitriany, F., & Anggraita, V. (2021). Impact of audit tenure and audit rotation on the audit quality: Big 4 vs non big 4. **Cogent Economics and Finance**, 9(1), [1901395].

Mattar, D., El Khoury, R., & Chaanine, M. (2023). Market reaction to an audit firm change decision. **In Lecture Notes in Networks and Systems** (pp. 161-183). Springer**.**

Rama, D. V., & Read, W. J. (2006). Resignations by the Big 4 and the Market for Audit Services. **Accounting Horizons**, 20(2), 97-109**.**

Shahab, Y., Ntim, C. G., Ullah, F., Chen, Y., & Ye, Z. (2020). CEO Power and Stock Price Crash Risk in China: Do Female Directors' Critical Mass and Ownership Structure Matter?. **International Review of Financial Analysis**, 68, 101457**.**

Wells, D. W., & Loudder, M. L. (1997). The Market Effects of Auditor Resignations. **Auditing**, 16(1), 143-144**.**

Xie, F., Anderson, H. D., Chi, J., & Liao, J. (2022). State Control and Stock Price Crash Risk: New Evidence of the Conservatism of State-Owned Enterprises. **International Journal of Managerial Finance, Advance online publication.**

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1402.15.57.1.6]